

معرفی و نقد کتاب

نظریه اجتماعی و سیاست هویت

مشخصات اثر

کالهن، کریج (۱۳۸۹)، نظریه اجتماعی و سیاست هویت، ترجمه محمد قلی پور و علی محمدزاده، تهران: جامعه‌شناسان، ۲۴۵ صفحه.

معرفی

وجود تفاوت میان انسان‌ها موجب شکل‌گیری ایده‌ها و اندیشه‌های گوناگونی درباره ابعاد مختلف هویت فردی و جمعی شده است. مسئله هویت فردی و هویت جمعی بازتاب اصلی چنین مناظره فکری‌ای است که در دهه‌های گذشته همواره مورد بحث پژوهشگران بوده است. در واقع، هریک از نظریه‌های اجتماعی - سیاسی رایج تلاش داشته‌اند نسبت بین هویت فردی و جمعی و امکان و امتناع همسازی و ناهمسازی آنها را مورد بحث و بررسی قرار دهند. محور اصلی بحث در کتاب نظریه اجتماعی و سیاست هویت نیز همین مقوله است. نویسندگان مقاله‌های ارائه‌شده (که سرانجام توسط کریج کالهن تدوین شده است) تلاش کرده‌اند تا منازعه و مجادله میان دیدگاه‌های «خرد» و «کلان را در چهارچوب امر شخصی و امر جمعی، به بحث بگذارند (ص ۱۵).

فصل نخست با عنوان «گفتمان مدرن هویت» به بحث پیرامون این موضوع می‌پردازد که ابعاد هویت فردی و جمعی از چه مقطعی مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا، پس از بحث پیرامون دیدگاه‌های ذات‌گرایانه و سازه‌انگارانه و نحوه شکل‌گیری خودفهمی‌های هویتی، به نقد و ارزیابی هریک از آنها نیز می‌پردازند. به‌زعم نویسندگان، ذات‌گرایان با تأکید بر ابعاد هویت خرد مانع از توجه به ابعاد جمعی هویت شده‌اند؛ چنان‌که هابسباوم و رنجر با طرح مفهوم «ابداع سنت درصدد برآمدند تا قدرت ناسیونالیسم را به عنوان یک ساخت جمعی تضعیف کنند (ص ۲۶)؛ از این‌رو،

جامعه‌شناسانی که رهیافت‌های ذات‌گرایانه دارند، تلاش کردند به صورت تاریخی به تبیین اصالت و قدمت ملت‌ها بپردازند. طرح ابعاد فلسفی و روان‌شناختی هویت از دیگر بحث‌های این فصل است.

عنوان فصل دوم «بازخوانی معرفت‌شناختی مفهوم «دیگر»: روایت شکل‌گیری اجتماعی هویت» است که توسط مارگارت سامرز و گلوریا گیسون نوشته شده است. بحث اصلی در این فصل، درباره نحوه شکل‌گیری مفهوم «دیگری» و پیامدهای هستی‌شناختی آن است. در این رابطه با نگاهی به زمینه‌های شکل‌گیری مفهوم خود و دیگری، در بحث درباره هویت و ویژگی‌های آن چنین آمده است: «از منابع گوناگون چنین استنباط می‌شود که هویت دارای چهار ویژگی است. این ویژگی‌ها در یک چهارچوب‌بندی مجدد روایتی به‌ویژه در نسبت با علوم اجتماعی عبارتند از: رابطه‌مندی اجزا؛ زنجیره‌علی؛ تخصیص انتخابی؛ زمان‌مندی، توالی و مکان‌دار بودن (ص ۷۷).

به‌زعم نویسندگان، روایت‌های هستی‌شناختی برای پاسخ به اینکه ما که هستیم، به کار می‌روند و چیزی را که فرد در قبال هویت و خود به دنبال آن است، برای او فراهم می‌کنند. از این‌رو، روایت‌های هستی‌شناختی، هویت را به روابط مکانی و زمانی خاصی مرتبط می‌سازند (صص ۸۱-۸۰). چارلز لمرت^۱ در فصل سوم با عنوان «ابهامات موجود در رابطه با خود نوعی شکل روایتی را به کار می‌برد تا بتواند به صورت تجربی ایده خود را محقق کند؛ اینکه چگونه نظریه اجتماعی، پیچیدگی هویت شخصی را نادیده می‌گیرد. او به‌ویژه بر این مسئله تأکید می‌کند که چگونه موضوعات مربوط به جنسیت و نژاد در گفتمان‌های ایج نهادینه می‌شوند. هم‌چنین بر شناخت مبهم قدرت شخصی همچون بسیاری دیگر، بر روابط قدرت تأکید می‌کند و این ایده را بررسی می‌کند که هویت به یک گفتمان قدرتمند درباره خود یا به یک مفهوم قدرتمند جمعی از «ما» بستگی دارد. او بر اساس نگرشی ذات‌انگارانه، بر بسیاری از دغدغه‌های موجود درباره خود و نارسایی‌های ناشی از آن غلبه می‌کند. آنتونی گیدنز در این راستا تلاش می‌کند جایگاه اخلاقی خود را در جوامع ماقبل مدرن و مدرن بررسی کند (ص ۱۳۰).

فصل چهارم با عنوان «سیاست‌های هویت در تاریخ امریکا» نوشته نوربرت ویلی^۲ است. ویلی در این فصل به دنبال آن است که فهمی از سیاست هویت ارائه کند که فقط بر نگرش‌های روان‌شناختی متکی نیست، بلکه مبتنی بر یک رهیافت نشانه‌شناختی

1. Charles Lemert

2. Norbert Wiley

درباره خود است. ویلی تغییر گفتمان‌های مربوط به هویت را در مطالعه تاریخ گذشته امریکا کشف می‌کند و با بهره‌گیری از رهیافتی عمل‌گرایانه درصدد رفع نقایص برآمده از دیدگاه روان‌شناختی است. از دیدگاه وی، تاریخ امریکا با جریان‌های مستمر مهاجرت که حامل مناقشه‌های دائمی در مورد سیاست هویت بوده، شناخته می‌شود. قومیت، نژاد، مذهب و طبقه اجتماعی موضوعات اصلی این مناقشه‌ها بوده‌اند. از دیدگاه ویلی، سه سطح هویتی در رابطه با خود وجود دارد که شکل‌دهنده به سیاست‌های هویت در جوامع مختلف و از جمله ایالات متحده است: نشانگان فردی مثل تفکرات و باورها؛ مجموعه‌ای نظام‌مند از علائم و رموزواره‌ها مانند طبقه، جنسیت و هویت؛ ظرفیت کلی برای نشانه‌ها که در ساختار «من» فردی و پیوند با دیگران قوام یافته است.

در فصل پنجم با عنوان «میهمانی رسانه‌ای و میزبانی پایدار»، تد گیتلین^۱ به موضوع سیاست هویت و پیامدهای سیاسی آن می‌پردازد. به نظر نویسنده، سیاست هویت شکلی از خودفهمی است که جهت‌گیری آن جهانی است و بهترین راه برای رفع گمنامی و سرگشتگی در جهانی غیرشخصی است. در واقع، هویت یک الگوی تعلق، جست‌وجوی آرامش و احساس هماهنگی با دیگران است که به فرد هم احساس عضویت در کنار «ما» و هم غیریت‌سازی در رابطه با «دیگران» می‌دهد. از آنجاکه سیاست هویت خوداتکا نبوده، واکنش‌پذیر است و از یک هویت به هویت دیگر در حال رفت و برگشت است و باید پرسید در مقایسه با چه چیز قابل تعریف است، چراکه همانندی‌ها همیشه در ارتباط با تفاوت‌ها فهم و معنا می‌شوند. مسئله اصلی در این فصل این است که آیا تأکید بر تفاوت و مرزبندی‌های هویتی می‌تواند عاملی برای دستیابی به قدرت جمعی در متن کنش‌های سیاسی باشد. نویسنده تلاش می‌کند مرزبندی‌های هویتی بین گرایش‌های راست و چپ (ایالات متحده و شوروی) و تحولات سیاسی ناشی از آن را تا اواخر دهه ۱۹۸۰ مورد بررسی قرار دهد.

عنوان فصل ششم «شکل‌گیری انگاره‌ها: نظریه فرایند نوشته اسفتن منل^۲ است. در این فصل تلاش شده نحوه ساخت‌یابی هویت در دو بعد فردی و جمعی مورد توجه قرار گیرد؛ اینکه ایده‌های مختلفی که در مورد دسته‌بندی‌های متنوعی نظیر اجتماعات، طبقات، نخبگان، جنسیت و قومیت وجود دارد چگونه موجب شکل‌گیری منافع و کنش‌های مشترکی می‌شوند (ص ۱۹۰). در این‌باره شکل‌گیری ایده «تفاوت» نقش مهمی

1. Todd Gitlin

2. Stephen Mennell

بازی می‌کند، زیرا افراد سطح بالایی از آگاهی و درجات متفاوتی از احساسات عاطفی مثبت و منفی خود را نسبت به گروه خود و در رابطه با گروه‌های دیگر به کار می‌گیرند. مفاهیمی نظیر دارا و ندار، مردان و زنان، استثمارگر و استثمار شده و بالاخره کشورهای جهان اول و سوم (صص ۱۹۶-۱۹۴). استفن منل در این فصل این ایده را پیگیری می‌کند که هویت جمعی ریشه در تصورات متراکم خودهای فردی دارد و خودنگاره‌ها و انگاره‌های ما به عنوان فرایندهایی فرهنگی، فهم ما را از هویت جمعی شکل می‌دهند. او به دنبال آن است که نوعی تعادل را میان «من و «ما» ایجاد می‌کند که بحث دربارهٔ هریک از آنها منجر به حذف دیگری نشود.

الی زارتسکی^۱ در فصل هفتم با عنوان «نظریه هویت، سیاست هویت: روانکاوی، مارکسیسم و پسااستخاگرایی» از بعد تاریخی به دنبال جایگزینی موضوعی (تغییر دستور کار) جنبه‌هایی از گفتمان روان‌شناختی و فردگرایانه در زمینه «سیاست هویت» است. او به طور خاص به مطالعه تغییر در نقش به عنوان موضوعی که روانکاوان در تنظیم پرسش‌های مربوط به هویت جست‌وجو می‌کنند، می‌پردازد (ر.ک: صص ۲۲۳-۲۰۶). زارتسکی برخلاف روایت‌های رایج در تاریخ روانکاوی، تمرکز خود را بر شکل‌بندی مجدد روابط بین «عمومی» و «خصوصی» می‌گذارد. سیاست هویت در این معنا، بیش از آنکه به اشتراکات توجه کند، به تفاوت‌ها می‌پردازد و به اجتماع خاص یا محلی هویت به عنوان نقطهٔ مرکزی هویت‌یابی توجه می‌کند (ص ۲۰۶). آنچه در این فصل بیش از همه حائز اهمیت است، دیدگاه /ریک /اریکسون^۲ درباره هویت است. اریکسون با توجه به بعد اجتماعی، هویت را محصول کنش متقابل بین خود و جامعه تعریف کرده و می‌نویسد: «هویت یعنی توانایی حفظ و استمرار تشابه درونی (ص ۲۱۳). عنوان فصل هشتم، «مالکوم ایکس و عرصه عمومی سیاه: تغییرگرایان در مقابل فرهنگ‌گرایان است که توسط ماتیا دیاوارا^۳ نوشته شده است (ر.ک: ۲۴۱-۲۲۶). این فصل، مشکلات نظریه اجتماعی و سیاست هویت را بر اساس تحلیل‌های تجربی، موضوعاتی درباره زندگی امریکایی - آفریقایی و تولید فرهنگی مطرح می‌کند. دیاوارا به برخی از تفاسیر اقتصادی فرهنگی امریکا - آفریقایی پرداخته و درصدد ارائه رهیافتی سازنده در مورد هویت امریکایی - آفریقایی‌هاست. او با اشاره به زندگی مالکوم ایکس و تلاش او برای تثبیت حقوق سیاه‌پوستان به نقل از او آورده: «هرچه می‌گذشت آگاه‌تر

1. Eli Zaretski

2. Erik Erikson

3. M. Diavara

می‌شدم. دین اسلام عمیقاً در سراسر زندگی تیره و تار من ریشه دوانده بود تا مرا از آنچه گرفتار آن بودم، نجات بخشید. من جنایتکاری متعفن بودم، یا یک مجرم سی‌وهفت ساله بی‌رحم و سنگدل در زندان یا یک عقب‌مانده ذهنی در مرکز بازپروری» (ص ۲۲۹). در واقع، بخش عمده فرهنگ سیاه‌پوستان در امریکا با تلاش‌های او شکل گرفت که درصدد رهایی زیست جهان از نظام‌های استعماری بود و در این راه به واسطه آگاهی آنان از محدودیت نهادهای مدرن برای ظرفیت و رهاسازی زیست‌جهان‌های چندفرهنگی، به سوی یک طرز فکر و فرهنگ جدید که در تولید یک زندگی خوب و اخلاقی مؤثرتر باشد، حرکت کردند (صص ۲۳۵-۲۳۴).

نقد و بررسی کتاب

نقد شکلی

به لحاظ شکلی و از حیث نحوه چاپ، ایرادهایی وجود دارد که موجب شده کل اثر تحت تأثیر این مشکلات قرار گیرد. فقدان صفحه‌آرایی دقیق و البته جذاب موجب شده آراستگی اثر تضعیف شود. به عنوان نمونه، تغییر فصول بدون هیچ فاصله‌ای در ابتدای صفحات ابتدایی هر فصل آمده است (ر.ک: صص ۲۰، ۵۰، ۱۰۶ و ۱۳۴)؛ یا نقل قول‌های ذکر شده در ابتدای هر فصل، بدون تنظیم اندازه فونت، با همان فونت متن آمده است؛ یا در برخی صفحات فاصله بین سطرها متفاوت شده است (صص ۱۳۶، ۱۶۸). برخی از برابرنهادهای انگلیسی که در متن اثر آمده نیز به واسطه بدیهی بودن نیازی به بیان نداشتند (ص ۲۱ و ذکر معادل دیالکتیک هگل)؛ از سویی برخی دیگر چند بار تکرار شده‌اند (مثل واژه Modern self-understanding)؛ بنابراین، متن بدون آنکه یکدست‌سازی شود به زیور طبع آراسته شده است.

در ترجمه اثر نیز به‌رغم تلاش مترجمان، مشکلات عمده‌ای وجود دارد که موجب ابهام و معلق شدن متن شده است (ص ۱۵، پاراگراف دوم؛ ص ۱۶، پاراگراف اول و دوم؛ ص ۲۴، پاراگراف اول؛ ص ۲۶، پاراگراف آخر و...). هم‌چنین در برخی موارد معادل‌های فارسی ارائه‌شده، دقیق نیستند. نظیر «من‌گرایی گروهی» در برابر Group Solipsis (ص ۱۶) که معادل بهتر آن خودم‌محوری گروهی یا گروه‌محوری است؛ تصور ویژگی‌های جسمی و ساختاری فرد در برابر habitus (ص ۱۷) که معادل بهتر آن عادت‌واره‌هاست؛ سیاست‌های متفاوتی در برابر difference Politics (ص ۱۷) که معادل بهتر آن سیاست معطوف به تفاوت یا مبتنی بر تفاوت است؛ بازشنا در برابر Recognizing (ص ۲۱) که

معادل بهتر آن شناسنده است؛ کم‌داشت در برابر Incompleteness (ص ۲۷) که معادل بهتر آن نابسند است؛ زیست‌شناسیک در برابر Biological (ص ۲۹) که معادل بهتر آن زیست‌شناختی است؛ یا به همان نحوه به جای نشانه‌شناسیک (Semiotic) معادل بهتر آن نشانه‌شناختی است؛ چیکانوس‌ها در برابر Chicanos که درست آن چیکانوها است و... . متن ترجمه‌شده این اثر در بسیاری موارد، دشوارفهم و نارسا شده و کمتر خواننده‌ای می‌تواند با علاقمندی و جدیت به مطالعه ادامه بحث ترغیب شود. این مشکل، بیش از آن‌که ناشی از قصور مترجمان باشد، برآمده از شتابزدگی ناشر و عدم داوری علمی ترجمه‌های ارائه شده است.

نقد محتوایی

به‌رغم آنکه کریج کالهن یکی از چهره‌های شناخته‌شده در حوزه مطالعات هویتی است، در اثر حاضر چندان نقش جدی‌ای ایفا نکرده و بیشتر در کسوت یک تدوین‌کننده منفعل عمل کرده است؛ به‌نحوی که در بخش مقدمه کمترین توضیح را درباره چرایی انتخاب مقالات مندرج در این مجموعه ارائه کرده است. این مشکل زمانی پیچیده‌تر می‌شود که پیوستگی موضوعی بین مقاله‌ها روشن نشده است. همین امر موجب شده تا هدفمندی اثر و تقدم و تأخر مطالب به نحوی جدی دچار چالش شود. مثلاً بدون تقسیم‌بندی مقاله‌ها به مقاله‌های نظری و مطالعات موردی، به صورتی مغشوش و نامتناسب فهرست‌بندی شده‌اند. هم‌چنین، اغلب نویسندگان مقالات با اتخاذ رویکردی توصیفی و خالی از هرگونه مباحث عمیق نظری به ارائه بحث پرداخته‌اند که موجب می‌شود این اثر را بیشتر در رده آثار دسته دوم در حوزه هویت قرار دهیم. حتی چنین به نظر می‌رسد که این مجموعه حاصل تلاش دانشجویان کالهن در سطح تحصیلات تکمیلی بوده تا حاصل یک کار اصیل پژوهشی که تحول‌آفرین و ایده‌پردازانه باشد.

مباحث ارائه‌شده در برخی فصول بیش از آن‌که هویت‌محور باشند، مبتنی بر رویکردهای تاریخی - جامعه‌شناختی یا به تعبیر دقیق‌تر مرتبط با مطالعه جنبش‌های اجتماعی هستند. به تعبیر دقیق‌تر، این مباحث بیش از آن‌که بیانگر تحولات و تطورات هویتی عارض‌شده در متن این جنبش‌ها باشد، بیشتر بیانگر تاریخ و نحوه تحول جامعه‌شناختی این جنبش‌هاست (نظیر فصل هشتم).

فقدان نتیجه‌گیری نهایی در پایان اثر نیز موجب شده که جمع‌بندی کلی‌ای از

مباحث ارائه نشود. ارائه نتیجه‌گیری نهایی در پایان این کتاب می‌توانست خوانندگان را با دستاوردهای پژوهشی آن بیشتر آشنا کند و دستور کارهای علمی لازم را برای پژوهشگران حوزه هویت فراهم آورد. به تعبیر دقیق‌تر، فقدان جمع‌بندی مباحث موجب شده تا این اثر بیش از آن‌که مجموعه‌ای هدفمند به نظر برسد، مجموعه‌ای از مقالات متلون و فاقد چشم‌اندازهای احتمالی به نظر برسد.

علی‌اشرف نظری

استادیار علوم سیاسی دانشگاه تهران

Email: nazarian2004@yahoo.com

